

## رویکردی نوین به نمودهای جهانی شدن در کلان‌شهرهای

### کشورهای جنوب

دکتر مهرداد نوابخش<sup>\*</sup>، رسول ملکی نظام آباد<sup>\*\*</sup>، محمد تقی معصومی<sup>\*\*\*</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۰۸/۱۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۸/۱۰/۱۶

#### چکیده:

هزاران سال است که شهرها کانون فرهنگ<sup>۱</sup>، اندیشه، تعامل اجتماعی<sup>۲</sup> انسان‌ها و جایگاه بالندگی شهرنشینی هستند. گرچه از هنگام پیدایش انسان در کره زمین، اکثریت افراد در آبادی‌ها، دهکده‌ها، شهرک‌ها و بافت‌های جمعی می‌زیسته‌اند اما با فرا رسیدن قرن بیست و یک و به ویژه دو دهه پایانی قرن بیستم میلادی زمان وقوع دو رخداد مهم جهانی در تاریخ حیات بشری است. یکی از این دو رخداد، شهری شدن جهان و دیگری ظهور شهرهای جهانی است. در این میان کلان‌شهرهای کشورهای جنوب از یک ماهیت عینی یک دست و فراگیر برخوردار نبوده و تحت تأثیر عوامل جهانی قرار گرفته‌اند. پژوهش حاضر بر آن است تا تأثیرات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جهانی شدن بر کلان‌شهرهای کشورهای جنوب مورد بررسی قرار داده تا با مطالعه تطبیقی و استفاده از تجربیات کشورهای توسعه یافته، راهکارهای مناسبی در جهت ساماندهی و برنامه‌ریزی شهری در کلان‌شهرهای کشورهای جنوب اتخاذ گردد.

**کلید واژه‌ها:** جهانی شدن<sup>۳</sup>، کشورهای جنوب<sup>۴</sup>، مگالاپلیس<sup>۵</sup>، پسامدرنیسم<sup>۶</sup>، سامانه‌های شهری<sup>۷</sup>

Email: Mehرداد\_Navabakhsh@yahoo.com

\*دانشیار گروه دکترای جامعه‌شناسی شهری. (مسئول مکاتبات)

Email: maleki.rasoul@yahoo.com. \*\* دانشجوی دکترای تخصصی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.

Email: taqi\_rs@yahoo.com. \*\*\* دانشجوی دکترای تخصصی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری واحد علوم تحقیقات تهران، ایران.

## مقدمه

جهانی شدن به معنی متراکم شدن جهان و انباشت آگاهی در دنیا است و در تفکر و عمل جهان به مثابه یک مکان واحد قلمداد می‌گردد که در آن جوامع ملی، به ویژه افراد مجبورند موجودیت خود را به عنوان بخشی از یک مجموعه بزرگتر بپذیرند. اگر چه پدیده جهانی شدن در حوزه اقتصاد مطرح شده ولی همه نظام‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را دستخوش تغییر و تحول کرده و این نظام‌ها نیز به نوبه خود جهانی شدن در حوزه اقتصاد را تقویت نموده‌اند. بنابراین جهانی شدن، استفاده هر چه مطلوب تر از منابع و امکانات جهان برای رفاه حال افراد بشر و مبارزه با بی عدالتی است و برای دست یابی به این اهداف همکاری هر چه بیشتر دولت‌ها و سازمان‌های غیر دولتی<sup>۱</sup> مد نظر قرار می‌گیرد (نصیری، ۱۳۸۶، ۳۰).

جهانی شدن به معنی وحدت و یکپارچگی جهان و همگون شدن آن در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و افزایش مبادله در این ابعاد است. پدیده جهانی شدن در انقلاب در ارتباطات، یعنی پیشرفت فن آوری اطلاعاتی، بوجود آمدن شبکه‌های جهانی اطلاع رسانی (اینترنت)، رایانه‌های شخصی و تجهیزات ارتباطی، ماهواره، نمابر، تلفن همراه و وسایل حمل و نقل سریع سرچشمه می‌گیرد (جغرافیای سال سوم انسانی، ۱۳۸۳، ۱۵۹).

بسیاری از اندیشمندان جهانی شدن را مقارن با عصر پسامدرن می‌دانند و چنین بیان می‌کنند که مشخصات زندگی در جوامع پسامدرنیست از بارزترین علائم جهانی شدن است. عصر پسامدرن نه تنها التقاط و تصورات گوناگون را مجاز می‌شمرد بلکه آن را ترغیب هم می‌کند. در عصر پست مدرن، ذوق و سلیقه‌ها التقاطی است مانند، مستخدمه‌های فیلیپینی در دوبی، کارگران ترک در آلمان، خرید استدیو فیلم هالیوود توسط ژاپنی‌ها، عطر فرانسوی زدن، لباس انگلیسی پوشیدن، موسیقی جاماییکایی گوش دادن و برج‌های شیشه‌ای در مگا لاپلیس‌ها همگی نمونه‌هایی از سلیقه‌های التقاطی در عصر جهانی شدن هستند (شکویی، ۱۳۷۸، ۱۳۷).



فشرده‌گی زمان و فضا، آگاهی همزمان از اتفاقات جهان، روندها و ایده‌ها در بخش‌های مختلف جهان حداقل در میان فرهیختگان دنیای پیشرفته از ویژگی‌های بارز جهانی شدن در عصر حاضر است (بهکش، ۱۳۸۱، ۲۹).

جهانی شدن در شهرها و خصوصاً در کلان‌شهرهای بزرگ اتفاق می‌افتد. نظام جهانی تولید، بازار، امور مالی، خدمات، ارتباطات، فرهنگ و سیاست در حال ظهور از نظر فضایی از طریق شبکه شهرهای جهانی شکل می‌گیرد. تغییرات جهانی اقتصاد، فرهنگ و سیاست اثرات زیادی بر تجدید ساختار شهرها در اطراف جهان دارد (Sassen, 1996, 71).

کلان‌شهرها برای کسب جایگاه رفیع خود در فرایند جهانی شدن و زنده ماندن در برابر تحولات پر شتاب قرن ۲۱ راهی جز تکیه بر مشارکت آگاهانه شهروندان و به ویژه تشکل‌های غیر دولتی و داوطلب ندارند. فرایندی که در آن شهروندان با سهیم شدن در تصمیمات اثر گذار بر زندگی خود و جامعه شهری و با درک حقوق شهروندی، هزینه‌های اداره شهر را کاهش و بر توانایی‌های مدیریت شهری بیافزایند " <http://www.Hamkelasy.com/content/view/753/> ".

یک عامل اصلی در تغییرات شهری، افزایش ارتباط و وابستگی شهرها به روندهای جهانی است. شهرها به طور فزاینده در معرض نفوذهای جهانی هستند افزایش روندهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در مقیاس جهانی، پیش نیاز درک تغییرات شهری در اطراف جهان است. در واقع بررسی کارکرد متقابل و پویایی نیروهای محلی و جهانی در برخی از شهرها مهمترین توسعه مطالعات شهری معاصر تلقی می‌شوند (Brunn & William, 1991, 87).

## روش تحقیق

در این مقاله کلیات، مفاهیم، روندها، رویدادها و تاثیرات مثبت و منفی جهانی شدن بر کلان‌شهرهای کشورهای جهان سوم با استفاده از روش مطالعه تطبیقی با تکیه بر مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است.

## اهداف و پیش فرضها

هدف کلی در این بررسی ارائه تصویری از نظام نامتعادل جهانی شدن بر توسعه شهرها و سیاست‌های اعمال شده در جهت تعادل بخشی در سطح جهانی و ملی به منظور دستیابی به راه‌حل‌های مناسب در تحکیم جایگاه هر یک از شهرهای مختلف به ویژه کلان‌شهرهای کشورهای در حال توسعه در فرایند جهانی شدن است. بنابراین تصویر عمومی از اثرات جهانی شدن اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بر شهرها که شامل رقابت فزاینده بین شهرها برای جذب سرمایه‌های متحرک، ظهور فرهنگ جهانی شهر نشینی و نیز افزایش سیاسی کاری شهری در کارآفرینی می‌شود ارائه می‌گردد. با این سوالات که:

۱-۱- در فراز و نشیب تحولات جهانی شدن، در اشکال روند شهر و شهر نشینی در کشورهای در حال توسعه چه تغییراتی حاصل شده است؟

۲-۱- تاثیرات جهانی شدن بر دگرگونی ساختارهای بومی شهرهای جهان سوم چگونه بوده است؟

تحقیق حاضر در جستجوی تجسم و درک واقعیاتی است که طی سال‌های اخیر و در نتیجه جهانی شدن در شهرهای جهان سوم اتفاق افتاده است که در چهارچوب مطالعه تطبیقی به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

## مبانی نظری تحقیق

تصور عمومی بر این است که استقرار جمعیت اکثرأ در شهرهای بزرگ تحقق یافته است و این شهرها خارج از مقیاس اقتصادی بهینه رشد یافته‌اند و از آنجایی که ساز و کارهای اقتصادی قادر به جلوگیری از رشد آنها نیستند، لزوماً سیاست‌های خاص جهت تشویق عدم تمرکز، تعادل فضایی و توسعه مراکز شهری باید گسترش یابد.

با بررسی تحولات نظام سلسله مراتب شهری<sup>۹</sup> در کشورهای در حال توسعه به این نتیجه می‌رسیم که گرایش به قطبی شدن<sup>۱۰</sup> پایتخت‌های جهان سوم و سپس کلان‌شهرهای منطقه‌ای و روند تغییرات به سمت ثبات نسبی جمعیت شهرهای متوسط و بالاخره افزایش تعداد شهرهای کوچک در جهان می‌باشد. به عنوان مثال در کشور ایران، تهران به عنوان شهر اول از هر لحاظ از شهرهای بعدی واجد فاصله بسیار است و کلان‌شهرهای مشهد، اصفهان و تبریز نیز فاصله بسیاری با پایتخت و شهرهای بعد از خود دارند (نظریان، ۱۳۷۲، ۱۷۰).

در حال حاضر جهان عصر کاملاً جدیدی در شهرنشینی را از سر می‌گذراند. امروزه کشورهایی که جهان در حال توسعه را تشکیل می‌دهند با بالاترین آهنگ شهرنشینی مواجه‌اند. شهرنشینی توأم با فقر و کثرت جمعیت یکی از مهمترین فرآیندهایی است که کشورهای جهان سوم را در قرن ۲۰ متاثر کرده است. شهرنشینی به طور کلی تقریباً به عنوان نشانه مستقیم مدرن بودن، توسعه و رشد اقتصادی تلقی می‌شود. طی تاریخ، صنعتی شدن و شهرنشینی در کنار یکدیگر ظهور کرده‌اند. اما این رابطه ساده یکنواخت که بیش از شش هزار سال، یعنی از زمان ظهور نخستین شهرها برقرار بوده، در طول چهار دهه گذشته دستخوش دگرگونی بنیانی شده است.

## جهانی شدن اقتصادی و شهر

نظام شهری جهانی در اقتصاد جهان مجسم و با آن در ارتباط است. اسمیت<sup>۱۱</sup> (۱۹۹۵) دو راهبرد روش‌شناسی حاکم در ترسیم سلسله مراتب شهری جهانی را شناسایی نموده است. نسبی<sup>۱۲</sup> و رابطه‌ای. راهبرد نسبی شهرها را بر اساس امتیازات منحصر به فرد (به عنوان مثال شمار دفاتر مرکزی شرکت‌های چند ملیتی<sup>۱۳</sup>)، رتبه‌بندی می‌کند. در راهبردی که بر پایه ارتباط است، برعمل متقابل بین شهرها برای شناسایی مجموعه‌ای از گره‌ها در شبکه شهری جهانی تمرکز می‌شود (Smith, 1995, 106). شهرها بر پایه میزان رقابت جهانی و روابط جهانی با هم تفاوت دارند. رتبه‌بندی رقابت و روابط جهانی، برای شناسایی و پیدایش بنیادهای متاخر اقتصاد شهری و تسریع الگوهای کلی شهرهای برنده یا بازنده در یک بازار شلوغ جهانی بسیار ارزشمند است. معیارهای بسیاری هستند که می‌توان آنها را برای رتبه‌بندی شهرهای سراسر دنیا به کار برد. جان فریدمن<sup>۱۴</sup> (۱۹۸۶) برای رتبه‌بندی شهرها هفت شاخص را پیشنهاد می‌کند (Friedmann, 1986, 83).

- |                      |                             |
|----------------------|-----------------------------|
| ۱- مراکز مالی عمده   | ۲- دفاتر مرکزی TNC          |
| ۳- موسسات بین‌المللی | ۴- رشد سریع بخش خدمات تجاری |
| ۵- مراکز مهم تولیدی  | ۶- حمل و نقل                |
| ۷- اندازه جمعیت      |                             |

برخی دیگر از محققان معیارهای جدیدی مانند ارتباطات از راه دور، کیفیت زندگی، امور بین الملل و مرکزیت فرهنگی<sup>۱۵</sup> را برای رتبه‌بندی شهرهای جهانی بیان می‌کنند. در اقتصاد جهانی سودمندی و رقابت شهرها بواسطه میزان قدرت فرماندهی شرکت‌ها، موسسات مالی در رده جهانی و اتصال به شبکه‌های بین‌المللی ارتباط از راه دور تعیین می‌شود. در سیستم جهانی، شهرهایی که واجد شمار زیادی دفاتر مرکزی شرکت‌ها هستند، مراکز فرمان جهانی برای تصمیم‌گیری‌های تجاری و تنظیم راهبرد شرکت‌ها نامیده شده‌اند. هم اکنون دفاتر مرکزی بیش از ۵۰۰ شرکت از بزرگترین شرکت‌های چند ملیتی بدون تناسب در کلان‌شهرهای بزرگ کشورهای توسعه یافته و به ویژه در نیویورک، لندن و توکیو قرار گرفته‌اند (رنای شورت، ۱۳۸۴، ۳۶-۳۳).

جهانی شدن اقتصادی<sup>۱۶</sup> روند جدیدی نیست. در طول بیش از ۵ قرن گذشته، شرکت‌های کشورهای توسعه یافته نفوذ و برتری خود را در سرزمین‌های بسیاری از مناطق جهان گسترش داده و به توسعه فعالیت‌های تجاری و تولیدی پرداخته‌اند. با این وجود جهانی شدن اقتصادی در سایه عوامل مختلفی از قبیل پیشرفت‌های مربوط به فن‌آوری و به ویژه سیاست آزادسازی در سراسر جهان، سرعت زیادی به خود گرفته است. مهمترین ویژگی جهانی شدن اقتصادی، برداشتن موانع ملی امور اقتصادی، گسترش بین‌المللی فعالیت‌های تجاری، مالی، تولیدی و رشد فزاینده قدرت شرکت‌های فرامیلتی و نهادهای بین‌المللی در این فرایند است. در حالی که جهانی شدن اقتصادی به ویژه با تمرکز تجارت و سرمایه‌گذاری فزاینده در چند کشور فرایندی نابرابر می‌باشد. اما تقریباً همه کشورها به طور چشمگیری تحت تاثیر این فرایند قرار گرفته‌اند (ساعی، ۱۳۸۶، ۷).

در سال‌های اخیر تغییرات قابل ملاحظه‌ای در کلان‌شهرهای جهان سوم از نظر تغییر کاربری‌های شهری به وجود آمده است و بسیاری از مغازه‌ها و کارگاه‌ها تغییر کاربری داده و به دفاتر شرکت‌های چند ملیتی، مغازه‌های الکترونیکی، کافی نت و مراکز خرید و فروش گوشی تلفن همراه تبدیل شده‌اند. بنابراین به تبع جهانی شدن و تغییر کاربری‌ها به ویژه در قسمت مرکز تجاری شهرها<sup>۱۷</sup>، قیمت زمین و مغازه‌ها بالا رفته و این قسمت از شهر به رشد عمودی روی آورده است. اکثر مبادلات اقتصادی در مرکز تجاری شهر از طریق رسانه‌های پیشرفته ارتباطی مانند اینترنت انجام می‌گیرد. در حقیقت امروزه بخش مرکز تجاری شهر، تولید کننده و صادر کننده نیست بلکه مرکز دفاتر شرکت‌های بزرگ تولیدی و صادراتی می‌باشد (فرید، ۱۳۶۸، ۲۹۸-۲۸۴).

### تاثیرات فرهنگی و اجتماعی

بسیاری از شهرهای کشورهای در حال توسعه در ۵۰ سال گذشته دستخوش دگرگونی‌ها و تحولات ساختاری عمده‌ای شده‌اند. به ویژه این تحولات ناشی از فرایندهای شتابان استعمار زدایی بوده که در آسیا، آفریقا و حوزه کارائیب رخ داده است. به علت اینکه انسان‌ها به واسطه ایجاد خطوط جدید ارتباطی و حمل و نقل و تغییر شکل تجارت و رسانه‌ها هر چه بیشتر به هم نزدیک می‌شوند. بنابراین مفهوم شهرهای جهانی توجه جغرافیایی بیشتری را جلب کرده است. شهرهای جهانی مکان‌هایی با تعامل متمرکز پنداشته می‌شوند که نقش اقتصادی، و اجتماعی، و فرهنگی مهمی در انباشت سرمایه بر عهده گرفته‌اند.

همانطور که گفته شد همه شهرهای جهانی در کشورهای توسعه یافته واقع نشده‌اند. هر چند محتمل است که این اصطلاح بیشتر شهرهای واقع در آمریکای شمالی و اروپا را در بر می‌گیرد. اما مهم بودن شهرهای آسیایی و افزایش اهمیت برخی مراکز شهری آمریکای لاتین، ابعاد جدیدی را به نظریه‌پردازی‌های مربوط به شهرهای جهان سوم افزوده است. چون این شهرها ماهیت پر تحرکی دارند و پیوسته دستخوش تحولات ناشی از شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کلان رایج قرار می‌گیرند. شگفت آور نیست که در دهه گذشته مسئله چگونگی تاثیر جهانی شدن بر شهرهای کشورهای در حال توسعه توجه روز افزونی را به خود جلب کرده است. در سال‌های اخیر مطالعات شهری از طریق تلاش برای تحلیل رابطه بین توسعه ساختاری شهرهای جهانی و سیاست گذاری‌های اقتصاد کلان، توجه زیادی را به موضوع جهانی شدن بر انگیخته است. اقتصاد جهانی و فرآیندهای اجتماعی و

فرهنگی بر ساختار شهر و محیط ساخته شده آن اثر می‌گذارند و در نتیجه آن سازمان‌های اجتماعی و سیاسی شهر متأثر می‌شوند (پایتر، ۱۳۸۴، ۱۸۰).

در شهرهای کشورهای در حال توسعه، مانند هر جای دیگر، دسترسی به نیازهای اولیه نه تنها تحت تاثیر گزینش اقتصادی منطقی و میزان دسترسی به منابع قرارداد، بلکه از فرآیندهای سیاسی و اجتماعی که به دسترسی نابرابر در بین گروه‌های مختلف مردم می‌انجامد نیز تأثیر می‌پذیرد. این دیدگاه که زندگی شهری تفاوت‌های قومی و طبقاتی را کاهش می‌دهد، پایه و اساس درستی ندارد زیرا همه شهرهای سراسر جهان در هنگام رکود اقتصادی با بحران‌هایی مواجه می‌شوند که تشدید تفاوت و تمایز بین ساکنین آنها را به همراه دارد. اگر مطابق گفته سیمون<sup>۱۸</sup> (1989) مردم همان منابع نهایی هستند پس توسعه یک شهر دقیقاً با رفاه ساکنان آن مرتبط است. نیروی کار سالم و تحصیل کرده بهتر می‌تواند در جهت استقرار دموکراسی، عدالت اجتماعی و برابری تلاش و در توسعه اقتصادی مشارکت کند. بنابراین عدم برابری در تامین نیازهای اولیه شهروندان بر میزان نابرابری اجتماعی در شهرها تأکید دارد که این نابرابری حاصل ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی متداول است که جملگی تحت تاثیر فرآیند جهانی شدن قرار دارند (Simon, 1989, 93).

جهانی شدن باعث اختلاط فرهنگ‌ها شده است. فرهنگ جدید با فرهنگ بومی اختلاط پیدا می‌کند و یک فرهنگ جدید بوجود می‌آید. خرده فرهنگ‌ها در فرهنگ غالب ذوب می‌شوند هر چند در سال‌های پیش یک سری کشمکش‌های فرهنگی در زمینه قومیت‌ها و زبان‌ها در کشورهای چند قومیتی وجود داشت اکنون بحث جهانی شدن در این زمینه تأثیر گذاشته و شاهد کاهش کشمکش‌ها در سال‌های آینده خواهیم بود (سلیمانی، ۱۳۸۶، ۱۱).

### تأثیرات سیاسی جهانی شدن بر کلان‌شهرها

در آغاز هزاره سوم میلادی و قرن بیست و یکم یک پرسش محوری بر معرفت و اندیشه آدمیان سایه افکنده و آن اینکه آیا به واقع جهان امروز تغییر کرده و بر مدار دیگری می‌چرخد یا شناخت و تفسیر ما از جهان دستخوش تحول شده است کثرت اندیشه‌های نو مطرح شده در سال‌های پایانی قرن بیستم و آغاز هزاره سوم میلادی، خبر از یک تحول بنیادی در روش و بینش و دانش‌های دوران تجدد و ورود به دوره موسوم به پسامدرن را می‌دهد.

جهانی شدن از یک سو چهارچوب مفهومی برای تبیین واقعیت‌های جاری جهان است و از سوی دیگر مبین نوعی جهان‌بینی و اندیشیدن درباره جهان به عنوان یک منظومه کلان و به هم پیوسته است. البته سابقه این امر به دوران‌های قبل باز می‌گردد و نظریه "دهکده جهانی"<sup>۱۹</sup> مک لوهان<sup>۲۰</sup> در دهه ۱۹۶۰ تنها تظاهرات جدید آن است. از منظر روش‌شناسی، پدیده جهانی شدن سیاست سبب می‌شود منظومه‌های به هم پیوسته جهانی از نگاه جدیدی مورد مطالعه و نقد و بررسی قرار گیرند (کاظمی، ۱۳۸۰، ۹). به اعتقاد برخی متفکران جهانی شدن یک گزینه انتخابی نیست که اراده کنید آنرا بپذیرید یا نه، بلکه کاروانی است که هم‌زمان در همه شاهراه‌های دنیا به سرعت در حال حرکت است و کشورها نیز توان متوقف کردن آن را ندارند و تنها چاره پیوستن آگاهانه و فعال به آن است و گرنه مانند خاشاکی در مقابل سیل برده خواهند شد. به تعبیر دیگر کشورهایی که به هر دلیل در مقابل موج فراگیر جهانی شدن مقاومت کنند دیر یا زود به انزوا کشیده شده و از جهات مختلف مستحیل خواهند شد.

جنبه بسیار مهم سیاسی - جمعیتی در شهرنشینی کشورهای در حال توسعه افزایش تعداد مطلق مکان‌های غول‌آسای جمعیتی است که پا گرفته است (جدول ۱). این امر ناشی از کاهش آشکار میزان مرگ و میر به علت فراهم شدن تسهیلات بهتر پزشکی و

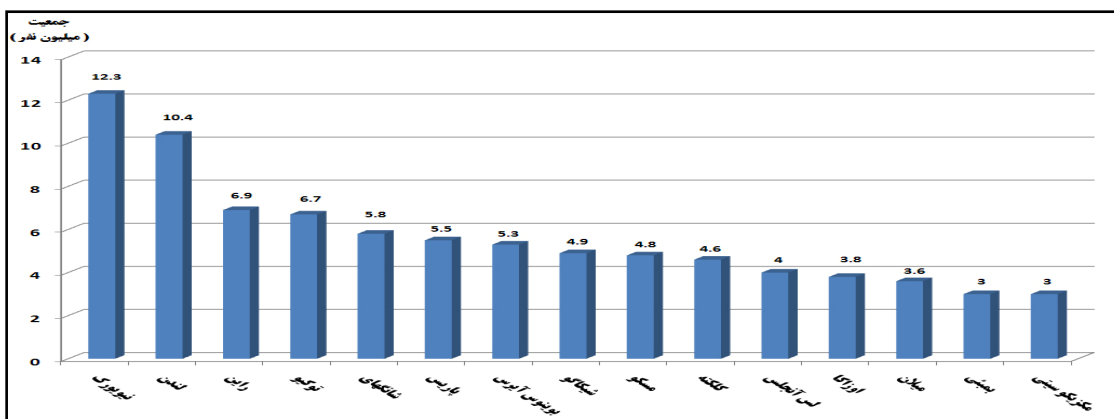
مراقبت‌های بهداشتی است در حالیکه آهنگ زاد و ولد مانند سابق در سطح بالای خود باقی مانده است.

این امر باعث افزایش جمعیت جوان، افزایش بیکاری، کمبود مسکن و غذا و در نتیجه تورم و افزایش قیمت کالاها و مسکن می‌شود و یک نارضایتی عمومی و ملی از حکومت‌ها را به دنبال دارد.

سال ۲۰۰۰			سال ۱۹۵۰		
جمعیت به (میلیون نفر)	شهر	رتبه	جمعیت به (میلیون نفر)	شهر	رتبه
۳۱	مکزیکو سیتی	۱	۱۲/۳	نیویورک	۱
۲۵/۸	سائوپائولو	۲	۱۰/۴	لندن	۲
۲۳/۷	شانگهای	۳	۶/۹	راین	۳
۲۳/۷	توکیو	۴	۶/۷	توکیو	۴
۲۲/۴	نیویورک	۵	۵/۸	شانگهای	۵
۲۰/۴	پکن	۶	۵/۵	پاریس	۶
۱۹	ریودژانیرو	۷	۵/۳	بونیوس ایرس	۷
۱۶/۸	بمبئی	۸	۴/۹	شیکاگو	۸
۱۶/۴	کلکته	۹	۴/۸	مسکو	۹
۱۵/۷	جاکارتا	۱۰	۴/۶	کلکته	۱۰
۱۳/۹	لس آنجلس	۱۱	۴	لس آنجلس	۱۱
۱۳/۷	ستول	۱۲	۳/۸	اوزاکا	۱۲
۱۲/۹	قاهره	۱۳	۳/۶	میلان	۱۳
۱۲/۷	مدرس	۱۴	۳	بمبئی	۱۴
۱۲/۱	بونیوس ایرس	۱۵	۳	مکزیکو سیتی	۱۵

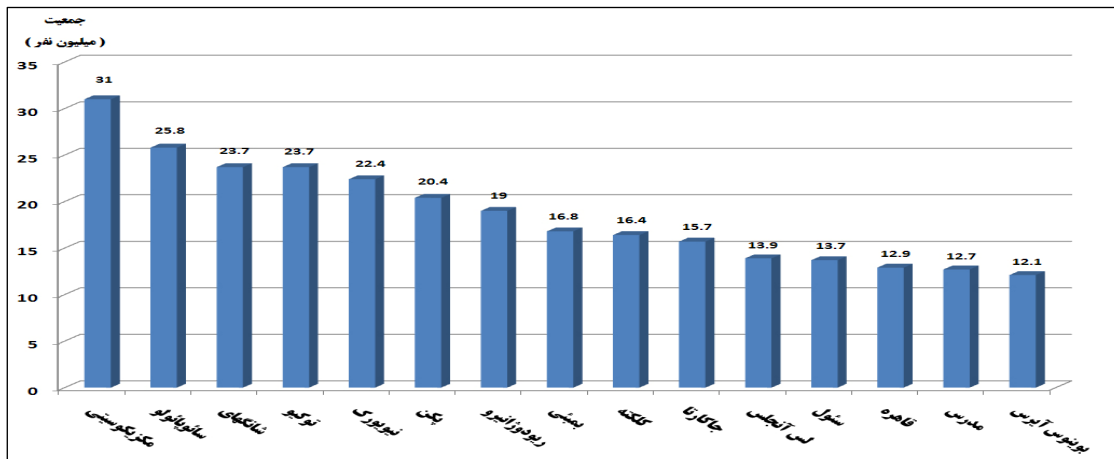
مأخذ: پاتر، ۱۳۸۴، ۳۵

جدول ۱- بزرگترین شهرهای جهان در سالهای ۱۹۵۰ و ۲۰۰۰



مأخذ: پاتر، ۱۳۸۴، ۳۵

نمودار ۱- بزرگترین شهرهای جهان در سال ۱۹۵۰



مأخذ: پاتر، ۱۳۸۴، ۳۵

نمودار ۲- بزرگترین شهرهای جهان در سال ۲۰۰۰

همان طوری که ملاحظه می‌شود در سال ۱۹۵۰ از ۱۵ شهر بزرگ اول دنیا تنها ۴ شهر به کشورهای جهان سوم تعلق داشت (نمودار ۱). این در حالی است که بعد از سپری شدن ۵۰ سال یعنی در سال ۲۰۰۰، حدود ۱۰ شهر از ۱۵ شهر بزرگ دنیا به کشورهای جهان سوم تعلق دارد (نمودار ۲).

در سال‌های اخیر بسیاری از شهرهای در حال توسعه به توسعه مجدد شهری پرداخته‌اند. نواحی متروکه بسیاری در مرکز شهر تحت عنوان نوسازی و بازسازی تمیز و بازسازی می‌شوند. ساختمان‌های قدیمی تخریب می‌شوند. ساختمان‌های اداری، موزه‌ها، گالری‌ها، رستوران‌های مهم چند ستاره در مراکز شهرها احداث می‌شوند صحنه‌های تماشایی اغلب به عنوان وقایع تبلیغاتی شهری مورد استفاده قرار می‌گیرند. میزبانی رویدادهای مهم جهانی مانند ورزش یا اکران فیلم می‌تواند به شهر، شهرت جهانی بدهد و شهر از لحاظ سیاسی برتری نسبی بدست بیاورد.

میزبانی بازی‌های المپیک علاوه بر اعتبار جهانی برای شهر، یک حمایت روانی برای پیوستن به جرگه شهرهای پیشرفته است و آن شهر فرصت عظیمی برای صدور فرهنگ ملی کشور خود، تجارت و معاملات بین‌المللی بدست می‌آورد. شهرهای جهان سوم مانند سایر شهرهای جهان خواستار جهانی شدن هستند. آنها هر روز بیشتر از دیروز خود را ملبس به لباس پسامدرن می‌کنند تا در ردیف سلسله مراتب شهر جهانی قرار بگیرند. شهرهای خواستار جهانی شدن برای عملکردهای فرماندهی و مسابقات جهانی رقابت می‌کنند (جدول ۲). این عمل به شهر یک وجهه بین‌المللی و فرصتی برای نشان دادن خود می‌دهد.

سال	شهر میزبان	شهرهای متقاضی
۱۹۸۰	مسکو	لوس آنجلس
۱۹۸۴	لس آنجلس	-
۱۹۸۸	سئول	ناگویا- بلگراد- پاریس - بیرمنگام -
۱۹۹۲	بارسلون	آتن - بلگراد - منچستر - ملبورن - تورنتو
۱۹۹۶	آتلانتا	بی‌جینگ - برلین - استانبول - منچستر
۲۰۰۰	سیدنی	بوینس آیرس - کیپ‌تاون - رم - استکهلم
۲۰۰۴	آتن	بوستون - شیکاگو - اوزاکا - ریوژانیرو - تورنتو
۲۰۰۸	پکن	پترزبورگ - سیاتل - ورشو - پکن
۲۰۱۲	-	*****

مأخذ: رنای شورت، ۱۳۸۴، ۱۳۷

جدول ۲- شهرهای میزبان و نامزد برای بازیهای تابستانی المپیک، ۲۰۱۲-۱۹۹۸



### جهانی شدن و ساختار شهر در کشورهای در حال توسعه

همان طوری که می‌دانیم همه "شهرهای جهانی"<sup>۲۱</sup> در کشورهای توسعه یافته واقع نشده‌اند. هر چند که محتمل است این اصطلاح بیشتر شهرهای واقع در آمریکای شمالی و اروپا را در بر می‌گیرد. شگفت آور نیست که در دهه گذشته مسئله چگونگی تأثیر جهانی شدن بر شهرهای کشورهای در حال توسعه توجه روزافزونی را به خود جلب کرده است (Simon, 1989, 114). شهرهای کشورهای در حال توسعه در حال تحول‌اند اما غالباً از ماهیت این تغییر به نادرستی برداشت شده است در یک سو دیدگاه‌های عمومی‌اند که معتقدند به عنوان نتیجه جهانی شدن به ویژه در ارتباط با فشردگی زمانی- فضایی جهانی، شهرهای کشورهای در حال توسعه از نظر الگوهای مصرف، فرهنگ عمومی و محیط ساخته شده به همتای غربی خود شبیه می‌شوند. نشانه‌های این ادعا را می‌توان در فراگیر شدن کالاهای مصرفی غربی از طریق "استعمار کوکاکولا"<sup>۲۲</sup>، نمایش فیلم غربی، موسیقی غربی و فعالیت‌های شرکت‌های فراملیتی در همه شهرهای جهان سومی سراسر دنیا مشاهده کرد. این پیامدهای آشکار جهانی شدن فرهنگی باعث شده تا بسیاری از طرفداران آن اذعان کنند که فرهنگ‌های غربی به تدریج بر سبک زندگی شهری تسلط می‌یابند، و به همگن شدن سراسر جهان در حال توسعه می‌انجامند.

به اعتبار وجود دو عامل مهم می‌توان بین شهرهای کشورهای در حال توسعه و شهرهای پیشرفته تمیز قائل شد. اول رشد شتابان کنونی شهرها در نتیجه مهاجرت روستا- شهری و افزایش طبیعی جمعیت و دوم عامل تاریخی که نشانه بارز آن فقر و نابرابری‌های اجتماعی است. به طوری که اوج ثروت و خفیف فقر در کنار هم دیده می‌شوند.

در بسیاری از کلان‌شهرهای کشورهای در حال توسعه، گرایش به سکونت در نزدیکی و اطراف مرکز شهر نسبتاً قوی است. هر چند که در دهه‌های اخیر گروه نخبگان، مرکز شهر و بافت قدیم شهر را رها کرده و به سوی بخش‌هایی از مناطق پیرامونی شهر جابجا می‌شوند، این فرآیند تحولاتی را به یاد می‌آورد که در شهرهای غربی به وقوع پیوسته است (شکویی، ۱۳۷۲، ۱۶۱).

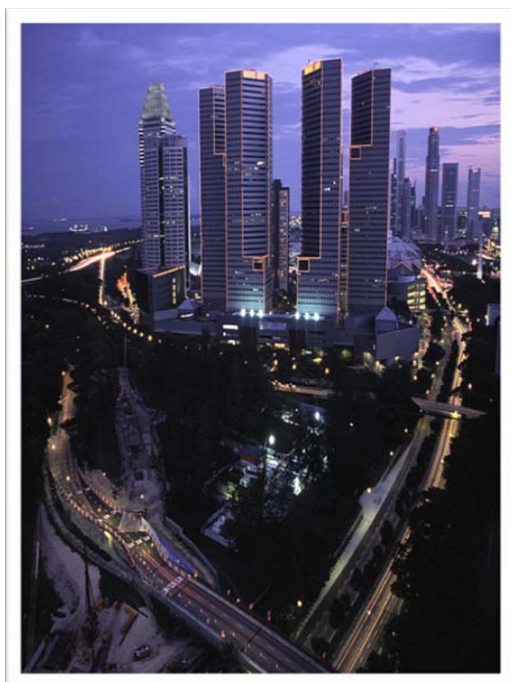
در سال‌های اخیر، مطالعات شهری از طریق تلاش برای تحلیل رابطه بین توسعه ساختاری شهرهای جهانی و سیاست‌گذاری‌های اقتصاد کلان، توجه زیادی را به موضوع جهانی شدن انگیزه است. این منشور جدید نسبت به نظریه‌پردازی‌هایی که تنها به فرآیندهای داخلی اثر گذار بر ساختار شهر توجه می‌کنند، فاصله می‌گیرد و به رویکردی می‌پردازد که معتقد است اقتصاد جهانی و فرآیندهای اجتماعی بر ساختار شهر و محیط ساخته شده آن اثر می‌گذارد و در نتیجه آن، سازمان‌های اجتماعی و سیاسی متأثر می‌شوند (پاتر، ۱۳۸۴، ۱۸۱).

### جهانی شدن و دوگانگی شهرهای جهان سوم

در علم جغرافیا موقع فضایی بازتابی از نیروهای اجتماعی به شمار می‌آید. در شهرهای جهان سوم نیز همان نیروهای اجتماعی، تعیین کننده ساخت فضایی شهرهاست. هر شهر جهان سومی، دوگانگی<sup>۲۳</sup> خاصی را به نمایش می‌گذارد. یکی شهر بومیان و دیگری شهر مد روز یا شهر امروزی که در کنار یکدیگر قرار دارند. در شهرهای بومی بخش اصلی شهر، بازار مرکزی شهر است. هر بخش از شهرهای بومی بر پایه اعتقادات مذهبی و سایر عوامل از سایر بخش‌های شهری جدا می‌گردد و نوعی جدایی‌گزینی محیط زیستی را به وجود آورده است (شکویی، ۱۳۷۹، ۱۷۷). گاهی اوقات حتی فاصله کالبدی این دو بخش از شهر

(شهر دیروزی - شهر امروزی) را از هم جدا می‌کند و مهم‌تر از همه در این گونه از شهرها الگوهای مشابه جدایی‌گزینی اجتماعی، اقتصادی، و مکانی نیز تقویت می‌شوند (دیوید دراکاسیس، ۱۳۷۷، ۲۸).

قسمت بومی شهر جهان سومی، از هیچ طرح و نقشه شهری تبعیت نمی‌کند و هیچ گونه اصول شهرسازی در آنها رعایت نشده است. کوچه‌ها و خیابان‌ها تنگ، تراکم جمعیت زیاد در بیشتر موارد این منطقه چسبیده به آلودگی‌ناشین‌ها می‌باشد (شکویی، ۱۳۷۲، ۹۱). در مقابل در قسمت پیشرفته شهر دفاتر شرکت‌های چند ملیتی، سازمان‌های تجارت جهانی، سازمان‌های غیر دولتی، بانک‌ها و غیره قرار دارند (پهکش، ۱۳۸۴، ۳۲۹-۳۳۳).



تصویر ۲ و ۳- تراکم جمعیت و تراکم اندیشه در کلان‌شهرها

مأخذ: [www.skyscrapercity.com](http://www.skyscrapercity.com)

مأخذ: [www.rupeenews.com](http://www.rupeenews.com)

هتل‌های معروف، مراکز عمده فروشی، فروشگاه‌های زنجیره‌ای، ساختمان‌های بلند مرتبه شیشه‌ای از دیگر چشم‌اندازهای قسمت امروزی کلان‌شهر جهان سومی است.

کاربری زمین<sup>۳۴</sup> در قسمت پیشرفته کلان‌شهر جهان سومی بیشتر خدماتی و گرایش به سمت وسایل الکترونیکی است. شهر در این منطقه رشد عمودی دارد. آمد و شد مردم و وسایل نقلیه در این قسمت از شهر کم است و خرید و فروش و تجارت بیشتر تلفنی است.

## نتیجه‌گیری

آن چه که موجبات تشدید وضعیت اجتماعی شهرهای جهان سوم شده است، افزایش بیش از حد جمعیت این شهرها به واسطه مهاجرت گروه‌های مختلف قومی و نژادی<sup>۲۵</sup>، در تمام ابعاد آن است. مهاجرت به شهرهای بزرگ، بصورت روبای همه روستاییان و ساکنین شهرهای کوچک است (نظریان، ۱۳۸۰، ۱۶). البته جهانی شدن می‌تواند ضمن رونق شهرنشینی به ساماندهی نظام شهری کمک کند (نظریان، ۱۳۸۶، ۴۹). از دهه ۱۹۶۰ به بعد، مهاجرت‌های شتابان روستا-شهری، ماهیت شهرهای کشورهای در حال توسعه را تغییر داده است. هر چند می‌توان گفت که برخی از شهرها ویژگی‌های گوناگون خود را از دوره پیش صنعتی حفظ کرده‌اند، اما پیشرفت‌های اخیر آثار اساسی چشمگیری بر ساختار شهرها نهاده‌اند. اکثر شهرهای در کشورهای در حال توسعه با توجه به ساختار اجتماعی خود هنوز هم از لحاظ دسترسی به ثروت، خدمات شهری، اشتغال و مامن مناسب، تفکیک و از نظر مکانی جدا شده‌اند. بنابراین شهرهای کشورهای در حال توسعه دقیقاً همان مسیری را طی نمی‌کنند که شهرهای غربی پیموده‌اند. وجود نابرابری‌های شدید اجتماعی، که در سکونت‌گاه‌های غیر رسمی گسترده در اطراف این شهرها کاملاً مشهود است، از آنها قالب‌ها و شکل‌های شهری منحصر به فردی ساخته است.

آنچه که این بررسی اجمالی بیش از هر چیز دیگر مشخص ساخته است ماهیت متمایز شهرنشینی جهانی و جهان سوم است. به ویژه روشن است که مدل‌های مورد استفاده برای تدوین، نمایش و تحلیل گذشته، حال و آینده الگوهای رشد شهری اروپا و آمریکای شمالی برای بررسی شهرهای جهان سوم ارتباط و مناسبت چندانی ندارد. با این همه بخش اعظم تحولات شهری در دهه‌های اخیر در جهان سوم، آن را به نیروهایی که شهرهای غربی را شکل بخشیده است نزدیکتر کرده است.

## پی‌نوشت‌ها

- |                                  |                                     |
|----------------------------------|-------------------------------------|
| 1- Cultural                      | 14- Friedmann,J                     |
| 2- Social Interaction            | 15- Cultural Centralization         |
| 3- Globalization                 | 16- Economic Globalization          |
| 4- South Countries               | 17- Central Business District       |
| 5- Megalopolis                   | 18- Simon                           |
| 6- Postmodernism                 | 19- World Village                   |
| 7- Urban Systems                 | 20- M.Hmluhan مارشال هربرت مک لوهان |
| 8- Non Governmental Organization | 21- World Cities                    |
| 9- City Hierarchy                | 22- Coca Colanisation               |
| 10- Polarization                 | 23- Dualism                         |
| 11- Smith                        | 24- Land Use                        |
| 12- Comparative                  | 25- Ghetto                          |
| 13-Multinational Companies       |                                     |

## منابع:

- ۱- بهکش، محمد مهدی، (۱۳۸۱). «اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن»، نشر نی، تهران.
- ۲- پاتر، ر. ب- ایونز، س. ل. (۱۳۸۴). «شهر در جهان در حال توسعه»، ترجمه ایراندوست، دهقان، احمدی، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور وزارت کشور، تهران.
- ۳- رنای شورت، جان و یونگ هیون کیم، (۱۳۸۴). «جهانی شدن و شهر»، ترجمه پانته آ لطفی کاظمی، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران).
- ۴- جمعی از مؤلفان، (۱۳۸۳). «کتاب درسی جغرافیای ۲ کد ۲۷۱/۴ رشته ادبیات و علوم انسانی»، وزارت آموزش و پرورش، انتشارات شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، تهران.
- ۵- دیوید دراکاسیس، اسمیت، (۱۳۷۷). «شهر جهان سومی»، ترجمه فیروز جمالی، نشر توسعه، تهران.
- ۶- ساعی، احمد، (۱۳۸۶). «جهانی شدن و جنوب»، نشر قومس، تهران.
- ۷- سایت همکلاسی به نشانی "http://www.Hamkelasy.com/content/view/753/"
- ۸- شکویی، حسین، (۱۳۷۲). «جغرافیای شهری»، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.
- ۹- شکویی، حسین، (۱۳۷۲). «جغرافیای اجتماعی شهرها- اکولوژی اجتماعی شهر»، انتشارات جهاد دانشگاهی، دانشگاه تبریز.
- ۱۰- شکویی، حسین، (۱۳۷۸). «اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا»، جلد اول، انتشارات گیتا شناسی، تهران.
- ۱۱- شکویی، حسین، (۱۳۷۹). «دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری»، انتشارات سمت، تهران.
- ۱۲- سلیمانی، علیرضا، (۱۳۸۶). «همایش منطقه ای جهانی شدن و شهر»، سازمان آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی، اداره آموزش و پرورش شهرستان میاندوآب.
- ۱۳- کاظمی، علی اصغر، (۱۳۸۰). «جهانی شدن فرهنگ و سیاست»، نشر قومس، تهران.
- ۱۴- فرید، یدالله، (۱۳۶۸). «جغرافیا و شهر شناسی»، انتشارات دانشگاه تبریز.
- ۱۵- نصیری، محمد، (۱۳۸۶). «جهانی شدن و خانواده»، مجله پیوند، انجمن اولیاء و مربیان، وزارت آموزش و پرورش، فروردین و اردیبهشت ماه.
- ۱۶- نظریان، اصغر، (۱۳۷۲). «جغرافیای شهری ایران»، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.
- ۱۷- نظریان، اصغر، (۱۳۸۰). «شهرهای آینده: کانون فاجعه انسانی یا بستر تعامل فرهنگی»، مجله فضای جغرافیایی، دانشگاه آزاد واحد اهر، سال اول، شماره سوم.
- ۱۸- نظریان، اصغر، (۱۳۸۶). «شهر نشینی در حال دگرگون و جایگاه شهرهای کوچک تجربه ایران»، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، دانشگاه آزاد اسلامی، تابستان سال چهارم، شماره ۱۴.

- 19- Brunn and William, (1991). " cities of the world " world regional urban development" , newyork: harper & ROW.
- 20- Sassen,S., (1996). "THE GLOBAL CITY " in Fainstein , s. and Campbell,s.(eds) , Readings in urban theory" oxford.
- 21- Simon, D., (1989). "colonial cities: post-colonial Africa and the world economy": a reinterpretation, International Journal of Urban and Regional Research.
- 22- Smith, D.M, (1995). "Redistribution and social justice after apartheid, in lemon", A. (ed), The Geography of change in south Africa, Chichester:Wiley.
- 23- Friedmann, j., (1986). "the world city hypothesis, development and change", Cambridge University Press.